

در محکومیت اقدام آمریکا علیه رهبران PKK

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست
هفتگی
۲۳۳

۱۲ نوامبر ۲۰۱۸ - ۲۱ آبان ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

رویدادهای سیاسی هفته

فواد عبدللهی

انتخابات میان دوره ای در آمریکا به پایان رسید. شکاف در بالا میان احزاب اصلی و پدیده ترامپ، فرصتی بود که جامعه آمریکا بار دیگر به صدا درآید. اینبار اما جامعه نه سر در لاک خود فرو کرد و نه بی تفاوتی از کنار آن گذشت. مردم در آمریکا بیدار شدند و سیاسی تر از همیشه عرض اندام کردند. حاصل این انتخابات هرچه که بود، شکست ترامپ بود. جراحی لکه ننگی بود بر پیشانی جامعه آمریکا که تاریخا می بایست دیر یا زود با عکس العمل پایین جامعه مواجه شود. معلوم شد که حاکمیت ارتجاع در غرب بر خلاف خاورمیانه و آفریقا و سایر نقاط پرت دنیا، کوتاه مدت است. جوامع غربی جایی است که شهروندانش حداکثر رفاه و آزادی های سیاسی در یک نظام بورژوازی را زندگی و تجربه کرده اند. بشریت در غرب مفت و مجانی صاحب حق نشده است. این جامعه صاحب سنت های قوی، تجربیات غنی و امکانات عظیم است. صفی که در انتخابات میان دوره ای اخیر یک تو دهنی محکم به ترامپ زد، بعضا بر شانه های این تاریخ و تجربیات غنی ایستاده است. بر شانه های یک جنبش رادیکال، ساختارشکنانه، تعرضی، برای دخالت و جدال بر سر قدرت سیاسی و برای کسب قدرت ایستاده است. این جنبش را نمی توان به مسالمت فرا خواند. نمیتوان به "گروه فشار"ش تبدیل کرد. این جنبشی است که سالهاست شبح آن بر فراز اروپا در گشت و گذار بوده است. مردم در آمریکا و اروپا ناچار اند ورق را برگردانند. روند تخریب جاری توسط سرمایه داری و در راس آن احزاب و سنت های دست راستی در غرب را تنها با برافراشتن پرچم سوسیالیسم و کمونیسم کارگری میتوان لگام زد. ... ص ۲

روز سه شنبه ۶ نوامبر ۲۰۱۸، همزمان با دیدار "متیو پالمر" معاون وزیر امور خارجه آمریکا با سران دولت ترکیه، سفارتخانه آمریکا در آنکارا با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که جایزه ای ۱۲ میلیون دلاری برای کسب اطلاعات جهت دستگیری سه نفر از رهبران حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک)، جمیل بایک، مراد قرایلان و دوران کالکان، در نظر گرفته اند.

اقدام دولت آمریکا و تعیین جایزه برای کسب اطلاعات از محل استقرار رهبران پ ک ک و دستگیری آنها، قرار است ابزاری از جانب این کشور برای کاهش کشمکشهای تا کنونی خود با ترکیه در کیس خاورمیانه باشد. قرار است هزینه کاهش کدورت های دولت اردوغان با هیئت حاکمه آمریکا و عربستان را پ ک ک پرداخت کند.

تحت تعقیب قرار دادن رهبران پ ک ک و تعیین جایزه برای دستگیری آنها، در عین حال حق السکوت دولت ترکیه از امریکا در مقابل عدم افشا اطلاعات این دولت از قتل وحشیانه خاشقچی توسط دولت عربستان است. اطلاعاتی که میتواند موقعیت دولت عربستان و شخص محمد بن سلمان را بعنوان متحدین دولت امریکا را در منطقه به خطر بیندازد. این اقدام ظاهرا اولین

حزب کمونیست کارگری ایران
حکمتیست (خط رسمی)
۹ نوامبر ۲۰۱۸

با حربه
"مجمع
عمومی"
علیه سندیکای
شرکت واحد



خالد حاج محمدی ص ۴

سایه سنگین
هیکو بر
سیرک
سالانه
دستمزدها

مصطفی اسدپور ص ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

کارگران کمونیست! رفقا!

بی تردید تنها طبقه کارگر و کمونیسم اش می تواند اعلام و تضمین کند که خیزش انقلابی عظیمی که در جریان است، فقط برجیدن جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بلکه این خیزش و قیام و انقلاب آتی، تا در هم کوبیدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه‌داری در ایران، ادامه خواهد داشت.

حذف این رژیم، و خلاصی از جمهوری اسلامی، اولین گام پیروزی و برداشتن مانعی بزرگ بر سر راه مبارزه ضد سرمایه داری و برای آزادی و برابری و حکومت کارگری است.

طبقه کارگر آگاه و کمونیسم اش، باید در صف مقدم و در رهبری و هدایت همه محرومان برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و تحقق رهایی و خوشبختی قرار گیرد.

ما همه کارگران کمونیست را به پیوستن به حزب کمونیستی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

است. این خواستی است که در پی مبارزه برای آن پیروزی در زمینه های دیگر نیز قابل حصول است. تحقق خواست برابری زن و مرد باعث میشود که جنبش ما به تغییرات مهم و دگرگون کننده در موقعیت زن دست یابد و در ارتفاع بالاتری قرار بگیرد. باید جنبش ما، جنبش کمونیستی طبقه کارگر، علیه کل مظاهر ستم بر زن، قامت خود را نشان دهد. جنبشی که برابری زن به معنی رهایی از تمام قید و بندهای عقمانده و سنتی و رهایی از همه قوانینی است که زن را آدم حساب نمیکند. جنبشی که خواهان مذهب زدایی از جامعه است، و خواهان برابری زن و مرد است. قدرت جنبش برابری طلبی زنان در ایران در وجود رشد کمونیسمی است که برابری و رفاه و آزادی را نمایندگی میکند.

جنسی یک جنبش بلفعل و بلقوه مادی است. یک مطالبه مهم مردم ایران در مرکز ثقل سرنوشتی جمهوری اسلامی است. این نسلی است که شورش بود دوره بلوغ خود را با پرت کردن حجاب و نرفتن زیر بار آپارتاید جنسی آغاز کرده است. این نسلی است که از فرصت بازی فوتبال تا تبدیل کردن عاشورا به کارناوال و پارتی، استفاده کرده است. این نسلی است که سران حکومت امثال خانم ابتکار بارها اقرار کرده اند که در مقابل مقاومتش در پروژه جداسازی جنسی میلیونها زن از مرد شکست خورده اند. لغو آپارتاید جنسی امر ما کمونیستها و مدافعین برابری زن و مرد است. نسل انسانهای آزادیخواه، مدرن، برابری طلب که معیار آزادیخواهیشان رفاه و شان و حرمت خود و هموعان شان

”اصلاحات“ در حاکمیت نیستند، اینها که هنوز فکر میکنند که جمهوری اسلامی با حق زن و برابری زن و مرد منافاتی ندارد، و آقای روحانی و اصلاح طلبان و آن زمان آقای خاتمی میتوانند این حقوق را تامین کنند، اینها که فکر میکنند با گل و بته میتوان سر زنان را کلاه گذاشت، آنهم دقیقاً در دورانی که به دوران بعد از خیزش های دیمه و روسری هوا کردن های وسیع زنان مشهور است، زیادی نادان اند. مطالبه ای که امروز میخواهد درب استادیوم ها را از جا برکند، از امثال خانم ابتکار و اصلاح طلبان عبور کرده است. خوب میدانند که این جنبش قابل مهار کردن در چهارچوب ”مسالمت آمیز“ نیست. امروز ایشان و جناح ایشان است که از قافله عقب مانده است. خواست لغو آپارتاید

تسویه حساب های مابین خود میسازند. امروز دیگر دنیای یک فلسطینی، دنیای بازگونی یک ناسیونالیست عرب نیست. مبارزه و مقاومت امروز مردم این خطه بر صلیب سیاه ناسیونالیسم عرب میخکوب نشده است. صاحبان واقعی ”مسئله فلسطین“ آن مردمی اند که بر کل هستی واقعی و اجتماعی خود حساب باز کرده اند. صاحبان این ”مسئله“، کماکان آناند که ایستاده می میرند.

استادیوم و در هم شکستن آپارتاید جنسی! خانم معصومه ابتکار اعلام کرد که ”وقتی به ورزشگاه آزادی میروم که بقیه هم بتوانند بروند.“ اینها که کماکان بعد از جنبش ”اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا“ هنوز دست بردار

رویدادهای سیاسی ...

چه کسی صاحب ”مسئله فلسطین“ است؟ مقاومت مردم فلسطین در نوار غزه علیه اجحافات دولت فاشیست اسراییل کماکان ادامه دارد. اما این مقاومت و این ایستادگی تنها علیه دولت دست راستی اسراییل نیست. کارزار مردم فلسطین علیه ناسیونالیسم گنبدیده عربی و ارتجاع دول عرب نیز هست. دولی که سالهاست از مصایب مردم فلسطین نان خورده اند.

امروز مردم فلسطین، همه جا فشار این دول فاسد عربی و مرتجع را بر سینه خود احساس می کنند. این مردم خوب فهمیده اند که تنها راه ابراز حیات و نشو و نما در مبارزه علیه وضع موجود، دست رد به سینه ناسیونالیسم عرب است. فهمیده اند که معماری یک آزادی واقعی در پناه ناسیونالیسم فاسد عربی، توهم است. برای مقابله با فاشیسم دولت اسراییل، ناسیونالیسم و میهن پرستی جواب نیست. راه ستیز با تجاوز و تعرض، مذاکره و سازش در بالا نیست. درست در زمانی که ارتش جنایتکار اسراییل آلونک های مردم فلسطین را بر سرشان فرو میریزد، اینها هرکدام شان تحت نام ”حقوق ملت فلسطین“ تمامی هستی و نیستی این مردم را وسیقه پیشبرد اهداف و رقابتهای و

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم



پیر و از کار افتاده اش را میتوان مثل تفاله پرت کرد. رسماً و قانوناً میشود او را لابلای دستگاہها فرسوده و معلولش کرد، توهین و تحقیر و قتل او بشرط آنکه در محیط کار باشد آزاد است، رویا و آرزو و خیالات و هوسهایش درست مثل آگاهی و عدالت خواهی او ممنوع است. کودکان متولد در این جمعیت را باید با محرومیت نقره داغ کرد...

فصل دستمزدها بطرز خیره کننده ای مصداق دستمزده و سود حاصله از کار کارگر بعنوان رکن اساسی جامعه سرمایه داری را بنمایش میدهد. خاصیت فصل تعیین دستمزدها برای دولت و سرمایه داران قبل از هر چیز فرصتی برای محکم کردن تصویر طبقاتی از جامعه است. وزیر کار دارد برای فروش سیخف ترین و منحنی ترین تصویر طبقاتی از کارگران سنگ تمام میگذارد.

اما معرکه تعیین دستمزدهای جمهوری اسلامی یک اشکال "کوچک" دارد. فصل تعیین دستمزدها یکی و تنها یکی از بسترهای تعیین سطح دستمزدها است. هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری را کسی جلودار نبوده است. وزارت کار بلاخره باید دست از سر سیرک "فصل دستمزدها با دخالت نمایندگان مستقیم کارگری" بردارد. سطح واقعی دستمزدها و بعنوان محوری ترین و مبرمترین خواست کارگری در ایران قبل از هر چیز در گرو توازن قوا و آنهم در تقابل مستقیم با کارفرما قرار دارد. به این معنا خبر اعتصابیون هیکو و حکم دادگاه آنها مهمترین خبر فصل دستمزدها را ساخت. در مورد دستمزدها کالایی، کارگر در آن جامعه از توان لازم برای دفاع از حرمت خود برخوردار است. کافعی است در یک محله جلوی توزیع تحقیر آمیز سبدهای کالایی سد بسته شود.

اول مساله سطح زندگی و انتظارات طبقه کارگر به مساله تامین معیشت پایه نزول پیدا کرده است. و امروز در قدم دوم تامین معیشت از دستمزده و روابط کار گسسته و به ناکجا آباد صندوقهای خیریه حواله میشود. زیر عنوان "تعیین دستمزده کارگران" بخش اساسی پلاتفرم دولت بحث اصلی گرد انتقال حداقل بیست میلیون جمعیت کارگری جامعه به گیرندگان سبده حمایت غذایی اهدایی دولت است. بنا به محاسبات خود دولت شهروندان با درآمد ماهیانه میان ششصد هزار تومان تا یک میلیون تومان از سیر کردن شکم عاجزند. در محاسبات خوش بینانه دولتی با سطح دستمزده جاری هفتاد درصد کارگران علی القاعده در این لیست قرار میگیرند. وعده های پر سر و صدای سال گذشته دولت روحانی برای توزیع این سبدها به هیچ جا نرسید. هیچ تضمین اجرایی در مورد وعده در راه نیز جز های و هو و جنجال پیدا نیست. در این چهارچوب بخودی خود ایرادی به دولت وارد نمیباشد، اینجا "حق" محلی از اعراب ندارد. بحث بر سر نیت خیر است، صدقه است.

صحنه چینی مذاکرات و نظری خواهی برپا شده توسط گله ژورنالیسم و رسانه ها در ایران زیادی خنک و بیمایه است. وزیر کار جلو افتاده است و یکبار دیگر اعلام میدارد که طبقه کارگر پنجاه میلیونی آن جامعه چه بخورد، چگونه لباس بپوشد، مسکن و تفریحاتش، عرض و طول تحصیلات کودکش و جزییات زندگی او از چه خصوصیات برخوردار باشد. دولت دارد هزینه کارگر را برای سرمایه دار و برای دولت رقم میزند. دولت دارد متعهد میشود که هر گونه انتظار و توقع بالاتر از این سطح را افسار خواهد زد. سطح دستمزدها محدود به میزان پول پرداختی ماهانه کارفرما به کارگر نیست. با اعلام دستمزدها و چهارچوب تعیین آن دارند ارزش انسانی یک کارگر در جامعه را فریاد میزنند. دستمزده مد نظر دولت فخریه حاکم در ایران رسماً چار میزند شکم کارگر لزومی ندارد سیر باشد، تا جوان است باید از او کار کشید، ارزش معاهده و قرارداد را ندارد، بیمار و

سایه سنگین هیکو بر سیرک سالانه

دستمزدها

مصطفی اسدپور

را به همراه ندارد. در جاییکه به قول خود مقامات حکومتی مبلغ سه میلیون تومان (معادل حقوق ماهانه یک کارمند با سابقه دولت) هنوز برای یک زندگی قابل قبول کفایت ندارد، در حالیکه افزایش دستمزدها را خارج از امکان کارفرماها و خود دولت بعنوان بزرگترین کارفرمای بازار کار جاری میزنند؛ در این میان قیل و قال بر سر اعطای بسته به ارزش صد هزار تومان برای چیست؟!

از همان شروع اعلام عزم دولت برای اجرای این طرح دنیایی از تحقیر و تخطئه، آن و دشمنی علیه کارگر آن جامعه را فرا گرفته است. در حالیکه دوایر مختلف وزارت کار دسته های صدها هزاران نفره کارگران ساختمانی، قرارداد سفیدی ها، زنان قالی باف، کارگران بیکار و ... را عملاً و دقیقاً مشابه طرح چهار سال ار پوشش این اقدام خارج اعلام میدارند؛ وزیر کار بر اجرای طرح بعنوان برگ برنده اجلاس شورای عالی کار برای دستمزدهای سال ۱۳۹۸ اصرار دارد. دستمزده در نظر گرفته شده برای سال بعد جوابگوی این سطح نیز نخواهد بود. وزیر کار جمهوری اسلامی دست پیش میگیرد و با تاکید بر محاسبه خط فقر بر مبنای سه میلیون تومان در ماه و با تاکید بر افسار کسبخته بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در مقابل کنترل تورم و گرانی، با تاکید بر کور بودن هر گونه چشم انداز برای اشتغال؛ چهارچوب و دورنمای دیگری را برای طبقه کارگر رسمیت میبخشد. بحث با این دولت بر سر نرخ دستمزده و نیازهای زندگی کارگری بیپسوده است. در این چهارچوب اصرار معاش طبقه کارگر به سازمان بهزیستی و به کمیته امداد منتقل میگردد. بنا به این چهارچوب یک کارگر در زمینه کار تابع قانون کار و در تامین زندگی در کنار بینوایان، مسکینان، بی سرپرستان و صدقه بگیران دسته بندی میگردد. به این ترتیب برای دولت در قدم

دستمزده کارگران را به دلخواه قسطی پرداخت و یا اصلاً پرداخت نکند؛ پس این خیمه شب بازی برای چیست؟

خاصیت صحنه چینی پایان سال تعیین دستمزدها برای سرمایه داران و حکومتش در این بوده است که آنچه به کارگر تعلق نمیگیرد را اعلام کنند؛ تصمیماتشان را به آزمایش بگذارند و سال تازه تری از حمله به کارگر را در پیش بگیرند. اظهارات علی خدایی، عضو کارگری شورای عالی کار گویاست: قدرت خرید کارگران از اول تیر ماه نسبت به دی ماه سال گذشته حدود ۴۸،۲ درصد کاهش یافته است. افزایش ۱۹،۵ درصدی دستمزده سال ۹۷ نتوانست پاسخگویی هزینههای زندگی کارگران باشد... بر اساس آمار رسمی سازمان تامین اجتماعی بیش از ۸۰ درصد کارگران، دریافتی کمتر از یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دارند که با این تحلیل قطعاً دریافتی ۹۰ درصد کارگران کمتر از ۳ میلیون تومان در ماه است... در حال حاضر میزان درآمد کارگران نهایتاً می تواند ۳۳ درصد از هزینه خانوار را تامین کند... به عبارتی برای تامین هزینه های یک خانوار سه نفره، کارگر سرپرست خانوار باید سه شغله باشد یا هر سه عضو خانواده باید شاغل باشند تا یک خانواده کارگری بتواند ۱۰۰ درصد هزینه حداقلی یک ماه را تامین کند. (صفحه اقتصاد از سایت

تسنیم، هفتم تیر ماه ۱۳۹۷) بنا به اظهارات وزیر کار آش بسیار شورتر از این حرفهاست. لازم است به ارقام فوق توجه نشان داد. بنا به اظهار نظر روحانی، وزیر کار و مقامات گوناگون طرح اصلی در دست بررسی اعطای بسته کالاهای حمایتی (خوراکی) بجای افزایش دستمزده است. این یک تصمیم ارتجاعی و ضد کارگری است. هر قدم در این راه جز تحقیر آگاهانه و رسوا بر علیه کارگر، سطح دستمزده، نیازها، حق و موقعیت اجتماعی طبقه کارگر

دستمزده کارگران چقدر است؟ چقدر باید باشد؟ این دستمزده در سال آتی چه میزان خواهد بود؟ این سوالاتی است که خانواده بزرگ شصت هفتاد میلیونی طبقه کارگر در ایران، در تب پاسخی شایسته به آن ها میسوزند. جامعه ایران از نظرات و صاحب نظران اقتصادی اشباع است. در آن جامعه از جمله در زمینه آمار اشتغال و تورم و شاخصهای اقتصادی تا دلتان بخواهد حرف مفت موج میزند. کیست در آن مملکت روی کارشناسی بانک مرکزی، روی وعده های مقامات برای یک یا دو ماه آینده دل خوش کند؟ این چه بازی ترسناکی است که اسکناسها و اعداد با زندگی و هست و نیست این مردمان به آن مشغولند؟

معرکه گیری سالانه بر سر تعیین سطح حداقل دستمزدها در ایران به همه چیز شباهت دارد بجز مساله اصلی که دخالت کارگران در اساسی ترین امر حیاتشان یعنی دستمزدها است. بچه خانواده کارگری با افتادن اولین دندان شیرینی آفتد از این دنیا آموخته که استدلال کند رای و اراده مستقیم کارگران در شورای عالی دستمزده نمایندگی نمیشود، نرخ تورم واقعی مینا قرار نمیگیرد، دستمزدها مصوبه با ادعای تامین زندگی یک خانوار پنج نفره فاصله نجومی دارد... نیاز به هوش فراوانی نیست که فریب کاری این معرکه گیری را تشخیص داد. راستی مگر وزارت کار و دولت و کارفرماها و نوکران شورای اسلامیشان مرض دارند برای چندرقازی که از قبل تصمیمش گرفته شده؛ چند ماه نمایش پوچ و مسخره "مذاکرات طرفین بازار کار" را برپا میکنند؟ سی چهل درصد کارگران که بیکارند و رنگ دستمزده را نمی بینند، بیشتر از نصف شاغلین که در کارگاهها زیر ده نفر از بیخ مشمول قانون کار نیستند، قراردادهای موقت را هم کنار بگذاریم مگر قرار است چه میزان از کارگران مشمول مصوبات شورای عالی دستمزدها بشوند؟ از همه چیز گذشته در آن مملکت که کارفرما میتواند

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (حزب راسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فکری با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

با حربه "مجمع عمومی" علیه سندیکای شرکت واحد

خالد حاج محمدی

روزها اتفاقا باید و مستقل از هر کمبود سندیکا، همراه با رفقا و نمایندگانشان در این سندیکا، این تلاش نفاق افکنانه را خنثی کنند سندیکای شرکت واحد هر اشکالی داشته باشد، رفع آن به خانه کارگر و کارفرما و وزارت کار و... مربوط نیست. اینها کوچکترین مشروعیتی برای دخالت در مسائل کارگران اتوبوسرانی را ندارند.

کسانی که این تلاش جمهوری اسلامی و نهادهای ارتجاعی آن علیه سندیکای شرکت واحد را نمیبینند، سوراخ دعا را گم کرده اند و به نام "اهمیت مجمع عمومی" عملاً به یک طرح فریبکارانه علیه کارگران شرکت واحد، رای مثبت میدهند. دو قطب مدافعین و مخالفین مجمع عمومی در شرکت واحد دروغین و ساختگی است. تلاش امروز جمهوری اسلامی در شرکت واحد نه در دفاع از تشکیل حق و حقوق کارگران شرکت واحد است. این تلاشی برای کنار گذاشتن و انحلال کامل سندیکای موجود زیر عنوان پرطمطراق "دفاع از تشکیل مجمع عمومی" و تلاش عده ای برای مشروعیت و قانونی کردن این انحلال است.

بدون تردید سندیکای شرکت واحد مشکلات خود را دارد، اما کسانی که در این میان به بهانه اشکالات سندیکا به

تجمع کارگران، هر تلاش آنها برای تشکیل مجمع عمومی، با سد نهادهای ارتجاعی و ضدکارگری چون خانه کارگر، شورای اسلامی، حراست و مرکز اطلاعات و یا کارفرما، روبرو شده است. محبوب ها و صادقی ها چماقداران جمهوری اسلامی و قمه کشانی بودند که در اولین اجلاس سندیکای واحد به تجمع کارگران حمله کردند و با چاقو کشتی همراه با عده ای اجیر شده دست به تهدید و کشتن فعالین آن زدند. امروز همینها با تحریک عده ای تلاش میکنند آخرین بارقه های وجود یک تشکل مستقل را زیر خاک کنند. امروز کسانی که فریب این نیرنگ را خورده اند و به نام دفاع از تشکیل "مجمع عمومی" به نفاق افکنی و انشقاق در میان کارگران شرکت واحد دست زده اند، آگاهانه یا ناآگاهانه وارد بازی شده اند که صاحبان اصلی آن نه کارگران شرکت واحد که مدیریت اتوبوسرانی و خانه کارگر و عوامل آنها خواهد بود. بازی که قرار است نتیجه آن سرهم کردن یک سندیکای دست ساز دولتی، ضد کارگری و ارتجاعی باشد که اولاً آلترناتیو سندیکای موجود شرکت واحد باشد و از طرف دیگر به نام نماینده کارگران شرکت واحد در سازمان جهانی کار و... برای جمهوری اسلامی آبرو و مشروعیتی بخرد. کارگران شرکت واحد در این

مدتی است به بهانه ضرورت تشکیل "مجمع عمومی" کارگران شرکت واحد، تلاشی نفاق افکنانه راه افتاده است و رهبری موجود سندیکای شرکت واحد عملاً دور زده شده است. بهانه این است که رهبری قانونی و موجود کنونی بدلیل عدم تشکیل مجمع عمومی در فاصله ای طولانی، دیگر مشروعیت ندارد و آنها در تلاش اند مستقل از این رهبری تکلیف سندیکا و رهبری آن را روشن کنند. برای تأمین این هدف روز سه شنبه ۲۲ آبان قرار برگزاری "مجمع عمومی" را به نام کارگران واحد صادر کرده اند. این تلاش که از جانب کارفرما و خانه کارگر و شوراها اسلامی حمایت میشود، نه برای اتحاد کارگران واحد، نه با هدف برگزاری مجمع عمومی و دخالت کارگران و یا تعیین تکلیف رهبری کنونی، بلکه تلاشی آشکار و برنامه ریزی شده علیه اتحاد کنونی و اقدامی علیه سندیکای شرکت واحد، فعالین آن و همه کارگران این مرکز است.

"مجمع عمومی" و "عدم مشروعیت رهبری کنونی" بهانه است. اگر چیزی در این میان مشروعیتی ندارد این تلاش ضد کارگری با پرچم دروغین دفاع از تشکیل مجمع عمومی است. کارگران شرکت واحد فراموش نکرده اند که در بیش از ده سال گذشته هر تلاش آنها و سندیکا برای

دفاع از ابتدایی ترین حقوق کارگران، پرداخت کرده اند. نباید آنها را در این روزها تنها گذاشت. باید متحدانه در مقابل تلاش نفاق افکنانه کنونی زیر نام تشکیل "مجمع عمومی" ایستاد و آنرا خنثی کرد.

باید این تلاش متحد شروع دوره ای جدید برای رفع موانع کارگران این مرکز و به میدان آمدن قدرتمند تر کارگران برای تحمیل حقوق خود به کارفرما، دولت و عمال خانه کارگر و... باشند.

تحریک کارگران علیه رفقایان دست میزنند، کسانی که فراموش میکنند، خانه کارگر و عوامل آنها، شورای اسلامی و کارفرما و حراست، طی این سالها در مقابل همه تلاشهای حق طلبانه کارگران شرکت واحد ایستاده اند، یا کلاه سرشان رفته یا ریگی در کفش دارند. فعالین کارگری در شرکت واحد تا کنون سنگین ترین هزینه را، زندان و روبرو شدن و تهدید و شکنجه و اخراج و... در دفاع از فعالیت مستقل خود، در

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!